

طراحی و اعتباریابی الگوی تربیت اخلاقی متناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره ابتدایی ایران با تأکید بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

نسرين حيدري زاده*

زهرة اسمعيلی**

مهران فرج اللهی***

طیبه صفایی****

چکیده

یکی از مسائل مهم، که تعلیم و تربیت معاصر با آن رو به‌روست، مسئله تربیت اخلاقی است. اهمیت تربیت اخلاقی در نظام آموزش و پرورش بخصوص دوران ابتدایی امری بدیهی و غیر قابل انکار است و تربیت اخلاقی نیز بخشی از برنامه تربیتی است که عهده دار شکوفایی استعدادهای علمی و عملی اخلاقی دانش‌آموزان است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش آن بطور ویژه «روش تحلیل محتوای کیفی» است. برای شناسایی وضعیت موجود تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی، داده‌های اولیه الگو با استفاده از تحلیل محتوی کیفی و سندکاوای به دست آمد. برای انتخاب نمونه‌های مصاحبه از روش نمونه‌گیری هدفمند و به‌طور مشخص از تکنیک گلوله برفی که با مشارکت ۱۵ نفر از متخصصان مرتبط با موضوع پژوهش و با در نظر گرفتن «معیار اشباع نظری» استفاده شد. نتایج حاصل از مصاحبه با استفاده از کدگذاری انتخابی مورد تحلیل و الگوی نهایی در قالب چهار عنصر اهداف (در حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی)، اصول، محتوا و روش‌های آموزشی تنظیم شد. از جمله ویژگی‌های این الگو می‌توان به بومی بودن، توجه به ویژگی‌های مخاطبان، علمی بودن، اختصاصی بودن، سادگی، بدیع بودن، واقع‌نگری، نگاه تربیتی و رویکرد فعال در آموزش و یادگیری اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: اعتباریابی، الگو، تربیت اخلاقی، دوره ابتدایی، سند تحول آموزش و پرورش

این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه پیام نور تهران است.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، مربی گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

nasrin_heidarizadeh61@yahoo.com

** استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

*** استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

**** استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

تربیت اخلاقی به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیرباز کانون توجه اندیشمندان و پیشوایان دینی بوده است. همچنین در میان فیلسوفان نیز تربیت اخلاقی^۱ به منزله شاکله‌ی تربیت آدمی لحاظ شده است و از این روست که کانت می‌گوید عمیق‌ترین بخش تعلیم و تربیت، تربیت اخلاقی است و تربیت اخلاقی را آخرین و عالی‌ترین سطح تربیت می‌داند و معتقد بود با انجام آن، کار تعلیم و تربیت به پایان می‌رسد (کانت، ۱۳۷۹: ۴۸). از سوی دیگر، در زمان ما ضرورت توجه به تربیت اخلاقی بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود؛ بحران‌های زیست محیطی، افزایش بزهکاری، تبهکاری، جنگ‌ها، فقر و بی‌عدالتی و مانند اینها شرایط را به گونه‌ای رقم زده‌اند که در عصر حاضر، بشر بیش از هر چیز دیگری به اخلاق و اعتدالی آن نیازمند است، و توجه به تربیت اخلاقی و بالندگی آن ضرورتی جهانی و انسانی است. تجربه بشری نشان داده است که انسان، خواه متدین به‌دینی آسمانی باشد یا نباشد، هیچ‌گاه حتی در دوره مدرن و پسامدرن^۲، بی‌نیاز از تربیت اخلاقی نیست (نقیب زاده، ۱۳۸۰). در دنیای امروز همپای با توسعه و رشد مهار ناپذیر تکنولوژی و پیشرفتهای آن، غفلت و ناآگاهی در تربیت اخلاقی کودکان نابسامانی‌ها و گرفتاری‌های فراوانی در آینده به دنبال خواهد داشت. پرورش اخلاقی صحیح، انسان را از تنگناهای بزرگ می‌رهاند و نیرویی است که به انسان در کنترل خود از وارد شدن در تباهی‌ها و لغزش کمک می‌کند. با توجه به اینکه بشر امروزی در عرصه‌های گوناگون، به ویژه در قلمرو علم و فن‌آوری به موفقیت‌های چشم‌گیر دست یافته است، اما در مقوله اخلاق و تربیت اخلاقی با چالش‌ها و مشکلات زیادی دست به‌گریبان است. وجود مسائل و چالش‌های گوناگون غیر اخلاقی در جوامع بشری، پرداختن به دیدگاه‌ها و اندیشه‌های جدید و تلاش برای حل کردن این مسائل را ضروری می‌نماید. (هالستید^۳، ۲۰۰۷) در کنار نقش مهم خانواده در تربیت اخلاقی، نظام تربیت رسمی و عمومی نیز پرورش اخلاقی دانش‌آموزان را جزء اهداف و برنامه‌های مهم خود قرار داده است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰) تربیت

1. Moral education
2. Modern and Postmodern
3. Halstead.j.m

دینی و اخلاقی به عنوان محور تمامی برنامه‌های تربیتی در مدارس مطرح شده و به حق، بر سایر ساحت‌های تربیتی برتری یافته است (حسنی، ۱۳۸۲). منظور از تربیت اخلاقی نوعی تغییر در قلمرو عقلی، عاطفی و رفتاری را در بر می‌گیرد. عنصر عقلانی تربیت اخلاقی معطوف به ایجاد درک اخلاقی برای باز شناسی امور خوب از بد است. به لحاظ عاطفی، تربیت اخلاقی نظر به پرورش پاره‌ای عواطف معین در شخص دارد. همچنین تربیت اخلاقی مستلزم عمل است و رفتار شخص باید جلوه درک و احساس اخلاقی باشد (باقری، ۱۳۸۶).

از آنجا که ما در عصر جهانی شدن^۱ هستیم، عصری که تمام سطوح مادی و معنوی انسان امروزه را تحت‌تاثیر قرار داده و تمام عرصه‌های زندگی بشر را به چالش کشانده است، و درعین‌آنکه همه‌ی مرزهای مادی را در هم می‌نوردد، می‌تواند مرزهای معنوی و باورمندی جهانیان را نیز در برگیرد. امروزه فرایند جهانی شدن موجب شده تا افراد فراتر از مرزهای یک کشور به تعامل و مبادله افکار و اندیشه‌ها بپردازند، که این امر نظام‌های تعلیم و تربیت را دستخوش تغییراتی اساسی کرده و همانطوری که همگان می‌دانیم در حوزه تعلیم و تربیت بیشترین تأثیر جهانی شدن بر تربیت دینی و تربیت اخلاقی بوده است (باقری، ۱۳۸۶). یکی از مهمترین بحران‌های امروز جامعه ما بحران اخلاق است از همین رو، جامعه امروز ایران نیازمندترین نسل به آموزه‌های اخلاقی است، بحران اخلاقی، فراگیرترین بحرانی است که تمام بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی را در بر خواهد گرفت و تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد (بناری، ۱۳۷۹: ۲۳). یکی از مسائل مهم، که تعلیم و تربیت معاصر با آن رو به‌روست، مسئله تربیت اخلاقی است. اهمیت تربیت اخلاقی در نظام آموزش و پرورش بخصوص دوران ابتدایی امری بدیهی و غیر قابل انکار است. اصولاً اخلاق و تربیت اخلاقی، یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهد. تربیت اخلاقی نیز بخشی از برنامه تربیتی است که عهده دار شکوفایی استعدادهای علمی و عملی اخلاقی دانش‌آموزان است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۹: ۶۱). از آن جا که تمامی ابعاد وجود انسان از جمله رشد شناختی و عاطفی^۲ کودک در هفت سال دوم یعنی (دوره

-
1. Globalization
 2. Cognitive and emotional development

ابتدایی) در حال پیشرفت و رشد است، و بر پایه مطالعات علمی دوره دبستان (۶ تا ۱۰ سالگی) که مد نظر این پژوهش است، دوره‌ای با ثبات، آرام و همراه با سازگاری است که در آن بحران عمیق شخصیت دیده نمی‌شود و دوره عقل و دانایی و میل به زندگانی اجتماعی و فعالیت است و کودک آمادگی لازم برای یادگیری و آموزش را پیدا کرده و این دوره مصادف با دوره تسلیم و تعلیم و تأدیب کودک است، که همزمان با آن پا به عرصه دبستان و آموزش و پرورش رسمی می‌گذارد (کاردان، ۱۳۸۷). لذا دوران کودکی، بهترین دوره سازندگی و تربیت اخلاقی است و بعد اخلاقی تعیین کننده مسیر زندگی و آینده کودک است. بنابراین جامعه ما بیش از هر چیز دیگری به نظام تربیتی صحیح اخلاقی، بخصوص برای کودکان نیاز دارد و پژوهش در زمینه چگونگی تربیت اخلاقی کودکان در عصر کنونی از اهمیت بسزایی برخوردار است. بر این اساس می‌توان گفت که مدرسه نمی‌تواند و نباید در برابر موضوع اخلاق ساکت باشد. به همین دلیل واکاوی و تحلیل موضوع تربیت اخلاقی در این دوره مورد توجه پژوهشگران بوده و پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است.

۴- محتوی برنامه تربیت اخلاقی: به مواردی که به لحاظ اخلاقی، خوبی، درستی و فضیلت تلقی می‌شوند، اشاره دارد.

از آنجاکه مسائل و آموزه‌های اخلاقی به آرامی در وجود انسان ریشه دوانده، باید تدابیری اتخاذ شود که تربیت اخلاقی در سالهای اولیه‌ی به صورت زیر بنایی و اساسی به آن توجه شود، زیرا سنگ بنای فعالیت‌های آتی افراد را تشکیل می‌دهد و ثمره‌ی این نوع تربیت در دوره‌های آتی بخصوص در دوران پر تلاطم نوجوانی و جوانی به بار خواهد نشست. همین امر محقق را به ضرورت تدوین الگویی مفهومی^۱ جهت چگونگی تربیت اخلاقی با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و مبانی اسلامی و با توجه به ماهیت و رشد افراد در این دوران هدایت نموده است. بر پایه اهمیت دوران کودکی (هفت سال دوم) که شناخت، درک، پذیرش و عمل به فضایل اخلاقی شکل می‌گیرد، ارائه الگویی که شامل، اهداف، اصول، محتوا و روش‌های آموزش، تربیت اخلاقی بر اساس رویکرد اسلامی - ایرانی است، هدف اصلی پژوهش فعلی است و در این مقاله به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود.

1. Conceptual Model

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش کیفی است با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش آن بطور ویژه «روش تحلیل محتوای کیفی» است. روش تحلیل محتوای کیفی برتیین صحیح و روشن از معنای مفاهیم به واسطه توضیح دقیق ارتباطهای آن با سایر مفاهیم ناظر است و امکان بررسی عمیق داده‌های جمع آوری شده را فراهم می‌آورد و می‌تواند رابطه‌ی متغیرها و شبکه ارتباطات آنها را، نه تنها در سطح بلکه در عمق مشاهده کرد. (باقری و همکاران، ۱۳۸۹). برای شناسایی وضعیت موجود تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی، داده‌های اولیه با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و سند کاوی به دست آمد. به منظور طراحی و اعتباریابی الگوی پیشنهادی از منابع متعدد از جمله پژوهش‌ها، تالیفات، تجارب سایر کشورها و همچنین مصاحبه با متخصصان استفاده شد. نمونه‌های این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و به طور مشخص از تکنیک گلوله برفی که با مشارکت ۱۵ نفر از متخصصان مرتبط با موضوع پژوهش در دانشگاه‌های تربیت مدرس و علامه طباطبائی و دانشگاه تربیت مدرس و با در نظر گرفتن «معیار اشباع نظری» انتخاب شدند.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد تعداد صاحب‌نظران جهت اعتبار سنجی الگو

بر حسب رشته و مرتبه علمی

رشته	استادیار		دانشیار		استاد		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
علوم تربیتی و روان‌شناسی	۸	۷۲.۲	۲	۱۸.۲	۱	۹.۱	۱۱	۷۳.۴
فلسفه و علوم دینی	۱	۵۰	۱	۵۰	-	-	۲	۱۳.۳
فقه و مبانی اخلاق	۱	۵۰	۱	۵۰	-	-	۲	۱۳.۳
جمع	۱۰	۶۶.۶	۴	۲۶.۷	۱	۶.۷	۱۵	۱۰۰

یافته‌ها

به منظور طراحی و اعتباریابی الگوی تربیت اخلاقی متناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره ابتدایی ایران از تحلیل محتوای کیفی استفاده شد، و برای تحلیل داده‌های به دست آمده از فن تحلیل مضمون و تشکیل شبکه مضامین استفاده گردید. تحلیل مضمون یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی است که داده‌های پراکنده و متنوع را به

داده‌های غنی تبدیل می‌کند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). بر این اساس، داده‌ها طی فرآیند مطالعه متون و مصاحبه گردآوری و فهرستی از کدهای اولیه ایجاد شد. در گام‌های بعد کدهای به دست آمده در گروه‌های مشابه و منسجمی دسته بندی شدند و شبکه مضامین چندین بار مورد تحلیل و بازبینی قرار گرفت و در نهایت برای تعیین اهداف، اصول، محتوی و روش‌های آموزشی الگوی تربیت اخلاقی متناسب با دوره ابتدایی مضمون‌های پایه شناسایی و شبکه مضامین استخراج شد. طراحی الگوی تربیت اخلاقی با هدف نظام‌مندسازی آموزش و تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی انجام پذیرفته است، به این معناست که مضامین باید براساس اهداف، اصول، روش‌ها و محتوی متناسب با آموزه‌ها و فرهنگ کشورمان ایران ارائه گردد. اساساً هدف گذاری در حیطه تربیت اخلاقی در کشور ما ایران باید متناسب با مبانی ارزش شناختی حاکم بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت بگیرد. از این رو پیشنهاد می‌شود که اهداف مرتبط با تربیت اخلاقی در کشور ایران، متناسب با مقتضیات روان شناختی کودک و با نظر به مبانی ارزش شناختی و ارزش‌های حاکم بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بازنگری و بازنویسی شوند و همچنین اهداف به گونه‌ای به تدوین برسند که قابلیت اجرایی شدن داشته باشند تا معلم و دانش‌آموز، هر یک بتوانند اهداف تربیت اخلاقی را اهداف خود بپندارند و در جهت اجرایی شدن آنها گام بردارند (شکل ۱-۱). در الگوی تربیت اخلاقی یونسکو^۱ (۲۰۰۲) سطوح و فرآیند یادگیری شامل سه مرحله واقعیت، مفهوم و ارزشمند شدن (ورود به سازمان ارزشی فرد) دانسته شده است. بعد از این سه گام است که یک مفهوم ارزشی به مرحله عمل می‌رسد. عنصرشناختی تربیت اخلاقی معطوف به ایجاد درک اخلاقی برای باز شناسی امور خوب از بد است. به لحاظ عاطفی، تربیت اخلاقی نظر به پرورش پاره‌ای عواطف معین در شخص دارد و همچنین تربیت اخلاقی مستلزم عمل است و رفتار شخص باید جلوه درک و احساس اخلاقی باشد. عمل اخلاقی با شناخت، درک و پذیرش حاصل می‌گردد.

منظور از اهداف حوزه شناختی، هدف‌هایی است که بیشتر جنبه‌ی کسب آگاهی، دانش اطلاعات و فهم موضوعات اخلاقی را دارند که عبارتند از: ۱- شناخت خداوند به عنوان حاکم مطلق جهان و درک قدرت و عظمت او ۲- شناخت و آشنایی کلی با

فضائل اخلاقی پایه (مثل احترام، مسئولیت، همکاری، تعهد، ارزش و...) ۳- شناخت ارزش‌هایی اساسی دینی، اجتماعی و سیاسی جامعه (مثل برابری، تقوا، ایثار، شهادت، نوع دوستی و...) ۴- شناخت نسبت به فرهنگ و پیشینه ملی، اجتماعی، دینی و فرهنگی خود (مثل نمادهای ملی و مذهبی) ۵- شناخت و آشنایی با رذائل اخلاقی (مثل تهمت، تبعیض، دزدی، دروغ‌گویی و...) ۶- توانایی تشخیص درست از نادرست، حق از باطل، خیر از شر و خوب از بد ۷- شناخت و آشنایی کلی با احکام اولیه دین اسلام از جمله وضو، نماز و روزه ۸- شناخت حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی (کدیور، ۱۳۸۹).

منظور از اهداف حوزه عاطفی علائق، گرایش‌ها و تمایلات نسبتاً پایداری هستند که در جریان تربیت اخلاقی باید در فراگیران ایجاد شود و عبارتند از: ۱- یقین و باور نسبت به قدرت و عظمت خداوند به عنوان حاکم اصلی جهان ۲- پرورش حس قدردانی و سپاسگزاری از خداوند، والدین و دیگران ۳- توسعه باور و گرایش نسبت به ارزش‌های اساسی دینی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی جامعه ۴- رشد و توسعه روحیه نوع دوستی و علاقمندی به مردم و سرنوشت کشور ۵- رشد و توسعه روحیه و گرایش مثبت نسبت به انجام تکالیف و ایفای مسئولیت اجتماعی و اخلاقی ۶- رشد و توسعه روحیه تعاون و مشورت در فعالیت‌های جمعی جهت تأثیرگذاری بیشتر در اداره مطلوب جامعه ۷- توسعه نگرش و گرایش مثبت در خصوص احترام به عقاید، فرهنگ‌ها، نظرات و دیدگاه‌های دیگران و پذیرش نظرات مخالف ۸- رشد و توسعه روحیه مسئولیت‌پذیری، احترام به ارزشها و پرورش حس قدردانی از دیگران ۹- پذیرش الگوها و اسوه‌های اخلاقی ۱۰- گسترش روحیه مهربانی، کمک به دیگران، تواضع، رازداری، بخشش و سخاوت، امیدواری و با نشاط بودن ۱۱- دوستی و علاقمندی به اهل بیت (س) فراگیر به کمک اهداف حوزه مهارتی یا رفتاری نقش خود را به عنوان یک شخصیت اخلاقی ابراز می‌کند. ۱- رشد توانایی مشارکت در فعالیت‌های فردی و گروهی ۲- رشد و توسعه قابلیت برقراری ارتباط مؤثر و توانایی گفتگو با دیگران ۳- داوطلب شدن برای انجام امور خیر و کمک و یاری رساندن در شرایط بحرانی کشور ۴- رعایت ادب و عفت کلام ۵- مراقبت از اموال عمومی و بیت‌المال ۶- پرهیز از اسراف، زیاده‌خواهی، تهمت زدن، مسخره کردن ۷- رعایت انصاف، عدل و امانت‌داری ۸- مهارت در نه گفتن به کارهای زشت ۹- رعایت کردن بهداشت

فردی و جمعی ۱۰- امر به معروف و نهی از منکر ۱۱- رعایت کردن قوانین و مقررات در مدرسه و جامعه ۱۲- رعایت پوشش اسلامی تعیین اهداف برای تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی. باید با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و نیازهای جسمی روحی و روانی دانش‌آموزان در این دوره انجام پذیر است. سرانجام اینکه اهداف تربیت اخلاقی نباید تنها در درس خاصی دنبال شود، بلکه نخست باید اصول حاکم بر تربیت اخلاقی در دیگر دروس و فعالیت‌های فوق برنامه دنبال گردد؛ زیرا تأثیرگذاری آنها به مراتب بیشتر خواهد شد و عاملان عرصه تعلیم و تربیت در هر جایگاهی که اعمال مسئولیت می‌کنند باید به تبعات اخلاقی اعمال و رفتار خود و تأثیر آن بر دانش‌آموزان واقف باشند؛ دوم اینکه باید ارتباط محکمی با خانواده در این زمینه برقرار شود و گفت و گو‌هایی مداوم در زمینه انتقال ارزش‌های اخلاقی میان خانواده و مدرسه انجام گیرد و هر دوی این نهادها در پی تحکیم اهداف تربیت اخلاقی بر آیند. به عبارت دیگر، باید از همه سرمایه‌های اجتماعی محیط کودک در زمینه تربیت اخلاقی مطلوب وی بهره گرفت.

مطابق با رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، طول دوره نخست تربیت شش سال و سن ورود به این دوره پنج سال تمام یعنی آغاز شش سالگی در نظر گرفته شده است. دوره ابتدایی خود به دو مرحله اول و دوم تقسیم می‌شود. از آنجا که در نظر گرفتن اصول حاکم بر تربیت و دوره ابتدایی می‌تواند فراروی برنامه ریزان و طراحان برنامه درسی قرار گیرد و الهام بخش اقدامات آنها باشد، لازم است تا راهنمای عمل تربیت اخلاقی به دقت بیان شود. بنابراین می‌توان اصولی را که بر ساحت تربیت اخلاقی ناظر است و می‌تواند به تحقق رسالت و اهداف این ساحت به عنوان راهنما مورد توجه قرار گیرد، چنین برشمرد (صادق زاده و همکاران، ۱۳۸۸). در اصل جامعیت در تربیت اخلاقی تربیت اخلاقی باید در برنامه درسی دوره ابتدایی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. به عبارت دیگر، با توجه به کارکردهای مختلف شناختی، عاطفی و مهارتی تربیت اخلاقی، به پرورش استعدادها و فطری پردازد و اقدامات اساسی در زمینه آموزش، درونی ساختن (مفاهیم اخلاقی) و کاربرد آن در زندگی روزمره انجام شود. از این رو ضروری است، دانش‌آموزان از فرصت کافی برای پرداختن و مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با حوزه اخلاق برخوردار باشند. در اصل ایجاد فرصت برای عمل اخلاقی تربیت اخلاقی باید ویژگی‌ها و

مهارت‌های مربوط به تفکر هدفمند و منطقی، تصمیم‌گیری صحیح و اخلاقی عمل نمودن را در دانش‌آموزان ایجاد نموده و رشد دهد. کودکان برای شکل دادن به رفتارها و عادات خود نیاز دارند تا در شرایط خاص توانمندی خود را بیازمایند. با ایجاد زمینه مناسب در مدرسه و کلاس درس از طریق بازی، اجرای نمایش و واگذاری مسئولیت به آنها این امر محقق خواهد شد. در اصل ایجاد انگیزه درونی برای اعمال اخلاقی تربیت اخلاقی باید در دانش‌آموزان دیدگاه‌ها، رجحان‌ها و نگرش‌های مثبت و سازنده‌ای نسبت به ارزش‌ها و صفات اخلاقی مانند عدالت، انسانیت و احساس مسئولیت ایجاد نماید و موجبات رشد مهارت تصمیم‌گیری صحیح، تفکر انتقادی و توانمندی همزیستی با دیگران را در دانش‌آموزان ایجاد نماید و حسن تعهد، مسئولیت‌پذیری، احترام، قدرشناسی و کمک به دیگران را برانگیزد.

در مرحله اصل مداومت و محافظت بر عمل تربیت اخلاقی یعنی دوره ابتدایی چون عرضه تکالیف آغاز می‌شود، اصل مداومت و محافظت بر عمل و تکلیف باید مورد توجه قرار گیرد. تکالیف باید از حیث کمی، ادامه یابد تا کودک را برای مرحله بعد آماده عمل کند و از حیث کیفی مورد محافظت و مراقبت قرار گیرد تا او را آماده برای عمل صحیح گرداند. تربیت اخلاقی باید به عنوان یک فرایند مستمر و پویا مورد توجه قرار گیرد. تربیت اخلاقی باید آرام آرام، به تدریج و در بستر زندگی و با توجه به مراحل رشد صورت پذیرد. در اصل تکلیف به قدر وسع در تربیت اخلاقی، پیروی از اصل عدل ضرورت می‌یابد. به مقتضای عدل باید به توانایی نوعی و گروهی و شخصی افراد توجه داشت. در مقام تکلیف، باید وسع مخاطب یا مخاطبین (به صورت گروه) را هم از حیث فهم تکلیف و هم از حیث قدرت بر عمل آن مراعات کرد و تفاوت‌های فردی آنها را ملاحظه کرد. در انتخاب و سازماندهی محتوای اخلاقی، تجربیات یادگیری تدارک دیده شده از سوی برنامه‌ریزان و مربیان باید در سه عرصه علم، عمل و اخلاق به صورت یکپارچه و به هم پیوسته ارائه شود تا زمینه‌ی کسب معرفت و در نتیجه شکل‌گیری دو صلاحیت مبنایی یعنی تفکر و ایمان را فراهم کند. در واقع برنامه‌ریزان، معلمان و مربیان می‌باید خود را هم در معرض پرورش تفکر، آن هم تفکری که منجر به شکل‌گیری باورها و ایمان شود، قرار دهند. محتوا عبارت از دانش سازمان یافته و اندوخته شده، اصطلاحات، اطلاعات، واقعیات، قوانین و اصول،

روش‌ها، مفاهیم، تعمیم‌ها، پدیده‌ها و مسائل مربوط به یک ماده علمی است. محتوا چیزی است که قرار است آموزش داده شود. محتوا شامل کلیه مطالب، مفاهیم و اطلاعات مربوط به یک درس مورد نظر است جهت رسیدن به هدف‌های آموزشی خاص (سلیمان پور، ۱۳۸۳).

سازماندهی محتوای اخلاقی در دوره ابتدایی می‌تواند به صورت‌های زیر ارائه شود (مهر محمدی، ۱۳۸۶). ۱- سازماندهی به صورت افقی: مفاهیم اخلاقی در همه دروس به طور همزمان به دانش‌آموزان ارائه داده می‌شود و بین آنها ارتباط و هماهنگی لازم وجود دارد. این ارتباط موجب می‌شود جنبه‌های گوناگون یادگیری همدیگر را تقویت کنند. ۲- سازماندهی بصورت برنامه پنهان (غیر مستقیم): فعالیت‌ها یا برنامه‌های غیر مستقیم (پنهان) مدرسه از جمله: بازدیدها، حضور در بعضی از مجامع و مساجد، کتابخانه‌ها، دیدن فیلم و نمایش‌های با موضوعات اخلاقی، زندگی‌نامه‌ها، قصه، شعر، داستان و چهره‌های شاخص، زیارتگاه‌ها و محیط‌های طبیعی و... همگی موجب توسعه تربیت اخلاقی فراگیر می‌شود. ۳- سازماندهی به صورت عمودی: در انتخاب محتوا می‌بایست بین مطالبی که قرار است انتخاب شوند ارتباط عمودی (طولی) وجود داشته باشد یعنی از ساده به مشکل و دارای ترتیب زمانی باشند. ۴- سازماندهی بصورت تلفیقی: در سازماندهی تلفیقی محتوای مفاهیم و موضوعات درسی در قالب (موضوعی یا مضمونی) با یکدیگر تلفیق می‌شوند. برای حصول این امر با انتخاب (راهنماهای موضوعی) مناسب و استفاده از آن‌ها، مفاهیم کلیدی این راهنماها در هم می‌آمیزند. برنامه درسی تلفیقی به شخصیت یادگیرنده شکل داده و موجب افزایش یادگیری او می‌شود. شکل‌گیری شخصیت یادگیرنده از این حیث که یک نگاه کل‌نگر نسبت به مسائل پیرامون خود پیدا می‌کند و امکان تحلیل مسائل به صورت کلان‌برایش میسر می‌شود. از طرف دیگر یادگیری دانش‌آموز به زندگی واقعی نزدیک‌تر می‌شود. چرا که در زندگی روزمره‌اش مسائل را به صورت تفکیکی و جدا از هم نمی‌بیند، بلکه با آنها به صورت تلفیقی مواجه می‌شود. لذا رویکرد برنامه ریزی درسی تلفیقی، زمینه‌های معنادار کردن یادگیری را برای دانش‌آموز فراهم می‌کند (زر افشان، ۱۳۸۵).

موفقیت تربیت اخلاقی و تحقق هدف‌های آن پس از تهیه و سازماندهی محتوای مناسب در گرو اجرای درست روش‌های مربوط به آن است. برای انتخاب بهترین

روش‌ها مریبان باید در ابتدا آشنایی کافی نسبت به انواع روش‌ها و راهبردهای تدریس و نیز ماهیت اخلاقی درس را داشته باشد، تا بتواند با بررسی و تحلیل محتوای موجود و توانمندی‌های خود دست به طراحی صحیح تدریس بزند و فعالیت‌های مورد نظر را یکی پس از دیگری به ترتیب اولویت به گونه‌ای ارائه کنند، که رسیدن به هدف را آسان گرداند.

بنابراین روش‌های تدریس مؤثر در تربیت اخلاقی باید به سوی روش‌های فعال یادگیری و فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری مناسب برای درک و فهم درونی سازی ارزش‌ها میل نماید. در حال حاضر روش‌های متنوعی چون روش سخنرانی، توضیحی، الگودهی، داستان‌نویسی، ایفای نقش، بحث و گفتگوی کلاسی، فعالیت‌های عملی، کاوشگری، فعالیت‌های گروهی، حل مسئله در قالب معماهای اخلاقی، مشارکت در خدمات اجتماعی مدرسه و جامعه، تحلیل ارزشها، شفاف سازی ارزش‌ها در بسیاری از کشورهای دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرند (حسنی، ۱۳۸۲). آموزش غیرمستقیم از طریق تأکید بر رفتار الگویی معلم کلاسی و مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق برنامه مانند فعالیت‌های باشگاهی، اردوهای آموزشی و زیارتی، تئاتر، سرود، برنامه‌های ورزشی، قابل اجرا است. روش‌هایی که می‌توانند در تربیت اخلاقی و با میل باطنی فراگیر در این دوره سخنیت داشته باشد، قصه و داستان، فراهم کردن فرصت انجام اعمال پسندیده در مدرسه با در نظر گرفتن سیره عملی اسوه‌های اخلاقی و علمی، موعظه و پند، ایجاد انگیزه و ارائه الگوهای اخلاقی و ... می‌باشند. همچنین بهره‌گیری از روش‌هایی چون آموزش به روش‌های فلسفی، مانند بحث‌هایی پیرامون یک مشکل خاص، و همچنین روش استدلال اخلاقی می‌تواند قابلیت‌های دانش‌آموزان را در مهارت‌هایی مانند برقراری ارتباط، تجزیه و تحلیل، حل مسئله، ارزش گذاری و تصمیم سازی افزایش دهد. استفاده از برنامه‌های درسی مسئله محور یا روش حل مسئله نه تنها موجب دستیابی دانش‌آموزان به مجموعه‌ای از هدف‌های ناظر بر رشد عقلانی می‌شود، بلکه حل مسئله به صورت گروهی، بستری مناسب برای دستیابی به بسیاری از هدف‌های ناظر به ترتیب اخلاقی مانند مسئولیت پذیری، رعایت حقوق دیگران، ارزش گذاری به کار دیگران و در نظر گرفتن عدالت در بحث و گفت و گو خواهد بود (مهرمحمدی، ۱۳۸۶).

روش

یکی از روش‌هایی که برای تربیت اخلاقی در این دوره مناسب هستند عبارتند از شرح و بیان یا توضیحی در این روش معلم می‌تواند اطلاعات منسجم و مجموعه‌ای از حقایق، اصول و مفاهیم را به صورت مدون در مدت زمانی کمتر در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد. این روش در یک تعبیر کلی‌تر، تشریح و تبیین ارزشهاست و با روش‌های مکمل مانند بحث و پرسش و بیان تجارب استفاده می‌شود. تفاوت این روش با روش سخنرانی در این است که در این روش، معلم مطالب را از روی کتاب یا جزوه یا هر مطلب نوشتاری برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۲). در سخنرانی می‌توان معلم را به عنوان پیام دهنده و دانش‌آموز را به عنوان پیام گیرنده تصور کرد. از این نظر سخنرانی شیوه‌ای است یک سویه، برای انتقال اطلاعات، که معمولاً فراگیر در آن همانند روش توضیحی نقش غیرفعالی دارد در شیوه بحث کلاسی دانش‌آموزان فعالانه در یادگیری شرکت می‌کنند و مفاهیم اخلاقی را از یکدیگر می‌آموزند. در این شیوه معلم را می‌توان به عنوان محرک، شروع کننده بحث و راهنما تصور کرد. معلم طوری سؤال یا مسئله اخلاقی را مطرح می‌کند که دانش‌آموزان را به پاسخگویی یا حل مسئله تشویق کند. هدف معلم این است که ذهن دانش‌آموز را برای تکاپو و جستجو بر انگیزد (بوستانی، ۱۳۸۰). معلم با استفاده از شیوه پرسش و پاسخ می‌تواند فراگیر را به تفکر درباره مفاهیم اخلاقی تشویق کند. در جریان تدریس بایستی تلاش شود که عادت به پرسش کردن در دانش‌آموزان ایجاد یا تقویت شود (صفوی، ۱۳۸۲).

معلم می‌تواند از این روش برای درگیر کردن دانش‌آموزان با مسائل اخلاقی و تجزیه و تحلیل آنها استفاده کند، معلمان در این روش باید موقعیتهایی را برای دانش‌آموزان فراهم نمایند تا بتوانند مسائل خود را از راه پژوهش و کاوش و به مدد شواهد موجود یا گرد آوری شده، بررسی کنند (شعبانی، ۱۳۸۲). داستان سرایی وسیله مؤثری برای تحریک اندیشه و تفکر، قضاوت و استدلال، عبرت آموزی، تسلی خاطر، هدایت از گمراهی، حساسیت در برابر امور و تفکر درباره جهان است. از راه داستان می‌توان بسیاری از مفاهیم اخلاقی را به صورت غیر مستقیم به دانش‌آموزان آموخت (صفوی، ۱۳۸۶). روش الگویی از عمده‌ترین و اساسی‌ترین روش‌های تربیتی، به خصوص در حیطه اخلاق است، به طوری که موثرترین و رساترین دروس اخلاقی

هیچ گاه نمی‌تواند با سرمشق خوبی که یک مربی یا الگو از اعمال و رفتار خود ارائه می‌دهد، برابری کند. بزرگسالان در محیط زندگی کودک، اولین معلمان او هستند که مورد تقلید و سرمشق وی قرار می‌گیرند. چنانچه این سرمشق‌ها نامطلوب باشند، عالی‌ترین و مهم‌ترین قواعد، دستورات و نصایح اخلاقی نیز نمی‌توانند تأثیری عمیق در کودک بگذارند. در دوران اولیه‌ی آموزش پیش دبستانی و دبستانی، تقلید از الگوهای مهم زندگی، مانند والدین و معلمان، مهم‌ترین وسیله‌ی آموزشی در قلمرو تربیت اخلاقی برای عادات مناسب یا نامناسب اخلاق است (همان منبع). هدف این روش، رشد همدلی با دیگران و بررسی مسائل و واقعیتها و ارزشهای اجتماعی در عمل است. این روش می‌تواند باب افتتاح گفتگو در باره‌ی ارزشها و چگونگی اثر آنها در زندگی روزانه باشد. در این روش معلم مسئول شروع و هدایت دانش‌آموزان است. به نحوی که آنها را قادر به تحلیل رفتار، ارزش‌های فردی، همدلی، حل مسائل میان فردی، نقش ارزشها در مسائل اجتماعی و آسودگی در ابراز عقاید نماید (صفوی، ۱۳۸۶).

در این روش نخست معلم قواعد و اصول کلی انجام عمل را توضیح می‌دهد و سپس دانش‌آموزان را به طور عملی با مسئله درگیر می‌سازد و در حین عمل نیز نکات لازم را برای رفع اشتباهات پیش آمده برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد. با تکرار عمل، ارزش‌های اخلاقی بیشتر درونی می‌گردد، علامه طباطبائی تکرار اعمال نیک و تداوم آنها رمز ملکه شدن این ارزشها تلقی می‌کند. تنها وسیله‌ای که به کمک آن می‌توان صفات باطنی را اصلاح کرد و ملکات فاضله اخلاقی را تحصیل و صفحه دل را از آلودگی اخلاقی زشت پاک کرد تمرین و تکرار اعمال شایسته متناسب با صفات اخلاقی است (بوستانی، ۱۳۸۰). یادگیری مشارکتی موجب می‌شود که دانش‌آموزان در عمل قواعد مختلف را به کار گیرند و ضمن یادگیری مطالب درسی به کسب فضائل نیز بپردازند. یادگیری مشارکتی موجب تقویت مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری در دانش‌آموزان گشته و دانش‌آموزانی که فعالیتهای مشارکتی را تجربه می‌کنند، نسبت به سایر افراد زودتر و بهتر به بازسازی و اصلاح نگرشهای خود خواهند پرداخت (شعبانی، ۱۳۸۲).

این الگو برای کمک به دانش‌آموزان در تقویت مردم‌سالاری، تشریک مساعی و آموزش آنها از طریق همکاری کاوشگرانه در فهم و مسائل اجتماعی، تحصیلی و

اخلاقی است. این روش نیازمند یک جو مثبت برای استدلال و مذاکره است و در همه سنین و سطوح تحصیلی و انجام کارهای گروهی کاربرد مناسبی دارد. این روش در نهایت منجر به کاوشگری منظم، کنترل و پویش مؤثر گروهی، تقسیم کار، ژرف اندیشی، روحیه همکاری و تعهد، تمایل به تلاش و کوشش در دانش‌آموزان می‌شود (صفوی، ۱۳۸۶). معروف به آن دسته از سنت‌های رایج در جامعه اطلاق می‌شود که عقلای جامعه آنها را به خوبی می‌شناسند، به بیان دیگر، فعلی است که با عقل، شرع و اصل اخلاقی رایج در جامعه مغایرت نداشته باشد. منکر «به معنای ناشناخته، زشت و بد» تبیین شده و عبارت است از: فعلی که عقول صحیح و شرع به زشتی و قبح آن حکم نمایند. «امر به معروف و اداشتن دیگران به پیروی از اوامر خداوند و نهی از منکر مانع شدن از انجام گناهان به صورت زبانی یا عملی است» که این روش در دوره ابتدایی برای هدایت دانش‌آموزان به کارهای نیک و بازداري و نهی آنها از کارهای زشت و غیر اخلاقی بسیار تاثیر گذار است (باقری ۱۳۸۶). حاصل یافته‌های این پژوهش تدوین الگویی مطلوب برای تربیت اخلاقی دوره ابتدایی است، تا از این طریق بتوان جایگاه تربیت اخلاقی را از حاشیه به متن مطالعات و فعالیت‌های این دوره تغییر دهد. در این الگو سعی شده است مجموعه مؤلفه‌ها و عناصری طراحی و تدوین شود، که حاصل تجارب ارزشمند صاحب نظران قلمرو تعلیم و تربیت و اخلاق می‌باشند. مبانی الگوی تربیت اخلاقی با در نظر گرفتن اطلاعات حاصل از مبانی دینی و اعتقادی اسلام، سند ملی، نظر صاحب نظران و توجه به ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان این دوره و اقتضائات نظام آموزشی استخراج گردیده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در نظام تربیت رسمی و عمومی ایران با وجود تأکیدات بسیار بر تربیت اخلاقی، به طور رسمی (مصوب) برنامه درسی تربیت اخلاقی وجود ندارد. در نگاه حاکم تربیت اخلاقی یک دیسیپلین درسی نیست که مانند علوم و ریاضی که دارای یک برنامه درسی و کتاب و بسته آموزشی مشخصی باشد. تربیت اخلاقی جریانی گسترده و فراگیر تلقی شده است که باید در تمامی عرصه‌های زندگی مدرسه‌ای نمود و بروز داشته باشد. تجارب ناظر به تربیت اخلاقی خاص و ویژه نیستند. به سخن دیگر،

یک فراموضوع یا یک فرابرنامه است. بنابراین، نمی تواند ضرورتاً به صورت یک موضوع درسی عرضه شود. در الگوی پیشنهادی، اهداف تربیت اخلاقی، در قالب سه حوزه شناختی، عاطفی و مهارتی ارائه شده است. که هر یکی از اهداف نشان دهنده جنبه‌ای خاص از کارکردهای مختلف تربیت اخلاقی است. در اهداف حوزه شناختی، منظور از هدف‌هایی است که بیشتر جنبه‌ی کسب آگاهی، دانش اطلاعات و فهم موضوعات اخلاقی را دارند. منظور از اهداف حوزه عاطفی، علائق، گرایش‌ها و تمایلات نسبتاً پایداری هستند که در جریان تربیت اخلاقی باید در فراگیران ایجاد شود. اهداف مهارتی یا رفتاری، به فراگیر کمک می‌کند که در قالب این اهداف خود را به عنوان یک شخصیت اخلاقی در جامعه ابراز کنند. سازماندهی محتوا به صورت افقی و عمودی با استفاده از روش تلفیقی و برنامه پنهان یا غیر مستقیم پیشنهاد شده است. طراحی و تدوین الگوی تربیت اخلاقی با رویکرد تلفیقی به معنای برخورداری از یک برنامه درسی جامع است که در آن هم به صلاحیت‌های اخلاقی و هم به مهارت‌های اخلاقی، (بعد نظری و بعد کاربردی) توجه شده است.

در تدوین روش‌های مؤثر آموزشی در الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره ابتدایی، یادگیری باید مبتنی بر فعالیتهای دانش‌آموزان باشد. مشارکت فعال آنها در امر یادگیری بسیار مهم است. از جمله روش‌های یادگیری می‌توان به روش‌هایی مانند روش ایفای نقش، یادگیری مشارکتی، روش قصه‌گویی، روش الگوسازی و روش پند و موعظه و... اشاره شد. محتوای اخلاقی تنها از سوی برنامه ریزان درسی و یا معلمان در اختیار یادگیرنده گذاشته نمی‌شود بلکه خود یادگیرنده نیز می‌تواند از طریق فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد به آگاهی‌ها، مهارت و نگرش‌هایی دست یابد. این بخش از یادگیری، پایدارتر از یادگیری‌هایی است که به طور مستقیم به او آموزش داده می‌شود. به طور خلاصه هدف از تدوین و پیشنهاد الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی برطرف نمودن خلأ ناشی از فقدان الگوی مناسب و پشتیبان برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد نظام آموزش و پرورش در حوزه اخلاق است. از آنجا که تلاش‌های صورت گرفته قبلی ناکافی تلقی شده است، تدوین الگوی تربیت اخلاقی متناسب با جامعه ایران می‌تواند به عنوان گامی مؤثر در جهت بهبود شرایط تربیت اخلاقی تلقی نمود.

منابع

- افکاری، فرشته (۱۳۹۳). نقد و بررسی رویکردهای تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی در کتابهای درسی بخوانیم، بنویسیم، قرآن، هدیه‌های آسمان، تعلیمات اجتماعی و طراحی الگوی برنامه درسی، رساله دکترای تخصصی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- باقری، خسرو، سجادیه نرگس، توسلی طیبه (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- بوستانی، اصغر (۱۳۸۰). تبیین دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبائی و دلالت‌های آن بر تربیت اخلاقی (اهداف و محتوا)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- بناری، علی همت، (۱۳۷۹). تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن، نشریه تربیت اسلامی. انتشارات: معاونت پرورشی آموزش و پرورش. شماره ۱۲ ص: ۲۳
- حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۷۹). چشم اندازی به جایگاه و نقش اخلاق در آموزش و پرورش. ویژه نامه تربیت اخلاقی، انتشارات معاونت پژوهشی آموزش و پرورش. شماره ۱۴ ص: ۶۱
- حسینی، محمد (۱۳۸۲). بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبائی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی، رساله دکتری، تهران.
- در امامی، نرگس (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتاب‌های بخوانیم، مدنی، هدیه‌های آسمانی و قرآن پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی به منظور بررسی برخی مقوله‌های تربیت اخلاقی پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- زرافشان، علی (۱۳۸۵). برنامه ریزی درسی تلفیقی، چشم اندازها. فصلنامه تعلیم و تربیت، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲.
- سلیمان پور، جواد (۱۳۸۳). برنامه ریزی درسی با تأکید بر تدوین محتوای درسی فعال و کاربرد تحلیل محتوا. انتشارات: آگاه
- شعبانی، حسن (۱۳۸۵). مهارت‌های آموزشی روش‌ها و فنون تدریس، تهران، سمت.
- صادق زاده، علیرضا. حسینی، محمد کشاورز. سوسن احمدی، آمنه (۱۳۸۸). گزارش تلفیق یافته‌های مطالعات نظری، بنیان نظری تحولات راهبردی در نظام آموزشی کشور.
- صفوی، امان الله (۱۳۸۲). کلیات روش‌ها و فنون تدریس، تهران، نشر معاصر.

عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی مجله اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان، شماره پیاپی ۱۰.

کانت، ایمانوئل (۱۳۷۹)، *تعلیم و تربیت "اندیشه‌هایی در باره آموزش و پرورش"*، ترجمه غلامحسین شکوهی، انتشارات تهران،

کدیور، پروین (۱۳۸۹). بررسی رشد وجدان اخلاقی در دانش‌آموزان و رابطه آن با جو مدرسه. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره چهار

کاردان، محمد علی (۱۳۸۷). *مراحل تربیت*. انتشارات دانشگاه تهران.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۶). *تاملی در ماهیت متمرکز برنامه ریزی درسی مجموعه مقالات برنامه درسی رویکردها و چشم اندازها*. انتشارات: آستان قدس رضوی.

نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۰). *گفتارهایی در فلسفه و فلسفه تربیت*. تهران: انتشارات طهوری.

- Berkowitz, M. W. (2001), Integrating structure and content in moral education, paper presented in developmental perspectives and approaches to character education, symposium conducted at meeting of the American educational research association, Chicago
- Covell, k.& Hower , R. (2001),Moral education through this Rs: Rights, Respect and Responsibility, *journal education*,vol.30,No.1,pp.29-41.
- Halstead, j. m. (2007). Islamic values: Distinctive from work for more reduction. *Moral Education*. 3 (36):225-383.
- Uysal, E. (2009). Kinaluizade, Svies on the Moral Education, *Moral Education*. 3(36): 333-341.
- Velea, S, Farca, S. (2012), 5 th International Conference EDU- WORLD 2012- Education Facing Contemporary World Issues.
- Sanger, M., Osguthorpe, R. (2005), Making sense of approaches to moral education, *journal education*,3491), pp.57-71.
- UNESCO Asia and pacific Regional Bureau for education (2002), learning to be: A holistic and integrated approach to values education for human development: core values and the valuing process for developing innovative practices for values education toward international understanding and a culture of peace, Bangkok.